

نقش تربیت دینی در پیشگیری از آسیبهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

مسلم شجاعی*

چکیده

این مقاله میکوشد نقش تربیت در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی را بتصویر بکشد و راهکارهای تربیتی مناسبی در اینباره ارائه دهد. یکی از عوامل بسیار مهم و دگرگون‌کننده ارزشها، باورها و نگرشها، شبکه‌های اجتماعی هستند چرا که میتوانند با برنامه‌ریزیهای دقیق و کنترل شده، اندیشه مردم جامعه را شکل داده و به رفتار آنان صورت دلخواه بدهند. هدف این نوشتار، بررسی تأثیر تربیت دینی بر پیشگیری از آسیبهای شبکه‌های اجتماعی و همچنین تبیین ماهیت و ویژگیهای تکنولوژی است. روش پژوهش اسنادی - تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است. نتیجه تحقیق نشان میدهد که کارکرد وسیع و پر دامنه شبکه‌های مجازی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف، قادر است جوامع بشری را بشدت تحت تأثیر قرار داده و از هنجارها دور کند. بنابراین برای پیشگیری از عواقب منفی شبکه‌های اجتماعی در ایجاد ناهنجاریها، باید مبانی تربیت و سبک زندگی دینی را جایگزین مبانی فکری تکنولوژی غرب نمود. تربیت دینی و دینداری با تأکید بر جهانبینی توحیدی در زندگی فردی و اجتماعی، مهمترین عنصر در پیشگیری، مقابله و برخورد با انحرافها و آسیبهای شبکه‌های اجتماعی است. تربیت دینی یک سبک زندگی و بایدها و نبایدهایی را پیش روی انسان قرار میدهد که بازدارنده‌ی مؤثر در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی است. این مقاله در ادامه، پیشنهادهایی تربیتی برای مواجهه با آسیبهای اجتماعی در مراکز آموزشی ارائه میدهد. آنچه مسلم است اینست که جوامعی که به نظام تعلیم و تربیت بعنوان عامل بازدارندگی و کاهش آسیبهای اجتماعی توجه دارند، موفقیت مطلوبتری کسب کرده‌اند.

کلیدواژگان: تربیت دینی، سبک زندگی، تکنولوژی، آسیبها، شبکه‌های مجازی.

مقدمه و بیان مسئله

ظهور فناوریهای نوین ارتباطی در عصر حاضر، به‌مراه نوآوری‌هایی که در فضای مجازی بوجود آمده، موجب اختلال در روابط خانواده‌ها شده است. فضای مجازی، فضای محیط الکترونیکی یا محیط شبکه‌یی از رایانه‌هاست که با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی دارد اشیاء و واقعیت‌های سه بُعدی جهان واقعی را مشابه‌سازی کند که فاقد مادیت فیزیکی هستند. در حال حاضر، جامعه سنتی بسوی جامعه الکترونیک در حال حرکت است. امروزه گسترش تکنولوژی و فناوری اطلاعات و ارتباطات بگونه‌یی است که در هر کجای زندگی انسان، جلوه‌های حضور فناوری اطلاعات و ارتباطات چشم می‌خورد. اینترنت و سرویسهای ارائه شده در قالب آن، در عین حال که ابزاری مفید برای کسب و تبادل اطلاعات هستند، میتوانند مخرب نیز باشند. شبکه‌های اجتماعی ابزار قدرتمندی هستند که هم میتوانند باعث فساد شوند و هم ابزار آموزش و تعلیم و رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی نوجوانان را فراهم کنند. پدیده‌هایی همچون بازیگری و تغییر هویت، گسترش و تولید ناهنجاری اخلاقی، انزواطلبی واقعی، رفتار اجتماعی شبکه‌یی، تغییر سبک زندگی، تأثیر بر بنیان خانواده، ترویج بی‌دینی، نقص حریم خصوصی و... از پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی بشمار می‌روند. آموزه‌های دینی و تربیت اسلامی ماندگارترین سرمایه انسان است که چنانچه دستخوش حوادث و رخداد‌های تصنعی شود، خرمن هویت و استقلال او را تباہ میکند.

به مجموعه تعامل انسانها از طریق فناوریهای نوین فارغ از بعد زمان و مکان، فضای مجازی یا محیط سایبری گفته میشود (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۷). در عصر کنونی، تکنولوژی، فضای مجازی و اینترنت در سطحی گسترده با فضای واقعی به رقابت برخاسته و با توجه به استقبال شدید نسل جوان در ورود به این دنیای مبهم و جذاب، اهمیت و میزان حضور نوع دیگری از زیستن که به «زندگی دوم» شهرت یافته، روزبه‌روز گسترده‌تر میشود و

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۰

* استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام جعفر صادق(ع) بهبهان، ایران؛
moslem.shojae@yahoo.com

همین گستردگی ابعاد مختلف فضای مجازی است که موجب شده در کنار تمامی کاربردها و ویژگیهای منحصر بفردش، شاهد بروز روزافزون چالشهای متعدد در جوامع بشری باشیم. فارغ از شکافهای بوجود آمده ناشی از فرایند رسانه‌های نوین، شکاف نسلی برخاسته از تحولات ساختاری و جمعیتی جامعه ایران، باعث شده است انتقال ارزشها و آموزه‌ها در قالب سنت، از نسلی به نسل دیگر با اختلال مواجه شود.

یکی از مهمترین ابعاد زندگی افراد که بی‌قیمت می‌توان گفت از مهمترین جنبه‌های حیات بشری است، جنبه تربیتی آنهاست. با توجه به تغییرات بوجود آمده در سطوح ملی و بین‌المللی، شاخصه‌های تربیت دینی دچار چالش عمیقی شده‌اند. در میان مردم ایران، قشر نوجوان و جوان بیشترین تأثیر را از این تحولات پذیرفته‌اند و بنحوی دچار چالشهای تربیتی و گسیختگی در امر هویتیابی و تربیت دینی شده‌اند؛ بهمین دلیل مسئله تربیت دینی، یکی از مهمترین مسائل است (معمار و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت مسئله، نگارنده در این پژوهش به بررسی ماهیت تکنولوژیک شبکه‌های اجتماعی بعنوان یکی از ابزارهای حاصل از مدرنیته و نیز تربیت دینی و سبک زندگی پرداخته و به این پرسش پاسخ میدهد که سبک زندگی دینی چگونه در پیشگیری از آسیبهای شبکه‌های اجتماعی مؤثر واقع میشود؟

تربیت دینی

واژه تربیت از ریشه «ر. ب. و» گرفته شده و بمعنای زیادی و فزونی است. تربیت را میتوان در اصطلاح علوم تربیتی، فراهم آوردن زمینه لازم برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه آن در راستای کمال او معنا کرد؛ عبارت روشنتر، فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادهای درونی و قوای جسمانی و روانی انسان برای وصول به کمال مطلوب (نظری توکلی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). از سویی، تربیت دینی انسان بسیار مهم است چرا که او شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده تا به مقام خلیفه اللهی برسد و این سیر جز با تربیت دینی میسر نمیشود. تربیت دینی، هرگونه فعالیت هدفمندی است که بمنظور ایجاد شناخت و باور به معارف دینی و تقویت آن،

گرایش به ارزشها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورهای دینی مطرح میشود و در مجموع زمینه‌ساز تکوین هویت دینی و رشد متعادل دینداری در متربی در همه جنبه‌ها میگردد (محمودی، ۱۳۹۷: ۹۱). ناگفته نماند که هدف نگارندگان از «تربیت دینی» در این پژوهش همان تربیت اسلامی است.

دین، دینداری و هویت دینی، در نظریه‌ها و پژوهشهای تجربی علوم اجتماعی همواره مورد توجه بوده است. بنظر میرسد که این امر پذیرفته شده و عمومی در میان دانشمندان علوم اجتماعی است که هویت دینی، نقش پُررنگی در زندگی مردم دارد. در بحث هویت دینی، برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک در یک جامعه مورد توجه قرار میگیرد. با توجه به شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی در جوامع کنونی، مذهب همچنان در تمام ابعاد خود، منبعی مهم برای هویت و معنابخشی جهان متجدد بحساب می‌آید. تربیت دینی بر اساس مفاهیم و معیارهای دینی بوده که باید بر اساس مؤلفه‌های دین اسلام باشد (سلحشوری و خنکدار طالسی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

مفهوم تربیت دینی عبارتست از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، بمنظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، بنحوی که آن افراد در دو حوزه عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند. تربیت دینی بمعنای بفعلیت رساندن کمالات معنوی بالقوه در متربی است. به بیان دیگر، تربیت دینی عبارتست از ایجاد تغییر تدریجی در متربی برای سیر از بودن به شدن یا انتقال از وضعیت بالقوه به بالفعل، بر اساس اهداف و ارزشهای دینی، در هر یک از ابعاد یا ساحت‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری (حسین‌زاده و مشرفی، ۱۳۸۹: ۴۲) و فرایندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا میسازد. این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین‌شده‌ی شکل میگیرد که از طریق دین، عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است.

هدف تربیت دینی آنست که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آنها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است؛ بنابراین تنها راه سعادت انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است.

بطور کلی، تعریف تربیت دینی بمنظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و پذیرش سنتها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و بعبارت دیگر، ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را دربرمیگیرد (پورطهماسبی، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۵۷). منظور از تربیت دینی، تنها آموزش یک سلسله عقاید و باورها و بیان احکام و دستورهای دینی نیست، بلکه مفهومی گسترده دارد.

از آنجا که هر پدیده‌ی در طبیعت و عالم انسانی با آفتها و آسیبهایی روبروست که مانع رشد و کمال آن است، بدون شک تربیت دینی هم از آفت و آسیب در امان نیست. منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و آفت در پدیده‌ها میشود. گاه به اختلالات آسیب نیز گفته میشود. بهمین دلیل هنگام بحث از آسیب‌شناسی تربیت دینی، گاه شناخت وضعیتهای ناهنجار حاصل از تربیت مدنظر است و گاه منظور عواملی است که اینگونه اختلالات و وضعیتهای نابسامان را پدید آورده‌اند (صالحی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۳: ۵۲).

در این راستا، دغدغه‌ی درونی و دلمشغولی اندیشمندان دینی آنست که نسل جدید جامعه را به برکت تربیت دینی، نسل مؤمن به ارزش و عامل به فضای اخلاقی و احکام الهی بار آورند. اگر افراد جامعه زندگی خود را بر مدار دین و خدا باوری معنا کنند، سلامت و سعادت جامعه در همه‌ی ابعاد سیاسی اجتماعی و فرهنگ تضمین میشود (شرفی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). تربیت دینی است که میتواند سبک زندگی دینی را برای جامعه‌ی دینی به ارمغان آورد. بر این اساس در ادامه به مقوله‌ی مهم سبک زندگی میپردازیم.

سبک زندگی

سبک زندگی را میتوان به مجموعه‌ی از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را بکار میگیرد تا نه تنها نیازهای جاری او را برآورده کند، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد. سبک زندگی را به زبان ساده میتوان چنین تعریف کرد؛ در زندگی انسان اموری - اعم از ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، مجموعه باورها و ادراکات و مجموعه‌ی از گرایشها و ارزشها، تمایلات و ترجیحات و... - وجود دارند که یک قالب کلی و روشی خاص از زندگی کردن را برای فرد مشخص میکنند. مبنای مهم در سبک زندگی، جهانبینی و

فلسفه‌ی است که فرد برای خود تعریف کرده است.

با ظهور دین اسلام بعنوان دین کامل و نبوی، اصول اخلاقی و اجتماعی زندگی بسیار تحت‌الشعاع فرامین الهی قرار گرفت و در واقع زندگی متأثر از ویژگیهای اسلام گردید که در آن آرامش و سلامت روانی تضمین شده است (جزینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶)، چرا که تقویت عوامل مذهبی، باورها، عقاید افراد و هویت دینی افراد جامعه تأثیر بسزایی بر بهبود سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی و در کل کیفیت زندگی دارد (احمدی، ۱۳۹۴: ۹).

سبک زندگی یکی از پر دامنه‌ترین مفاهیم حوزه‌ی علوم اجتماعی است که الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناختها و کنشهاست که در مجموع هویت اجتماعی و شخصیت فرد را میسازد و بمعنی نحوه‌ی ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها و بکارگیری مجموعه‌ی از رفتارهاست. سبک زندگی در چگونگی صرف زمان، پول، گذران اوقات فراغت، انتخاب اشیاء مصرفی، انتخاب علایق و ترجیحات و نظایر آن بروز و ظهور پیدا میکند. مفهوم سبک زندگی به نسبت رویکردهایی که بدان پرداخته میشود، تعاریفی متفاوت دارد. سبکهای زندگی مجموعه‌ی از طرز تلقیها، ارزشها و شیوه‌های رفتار، حالتها و سلیقه‌ها در هر چیزی، از موسیقی گرفته تا هنر و تلویزیون و دکوراسیون، فرش و غیره را دربرمیگیرد (قربان‌نیا و خزایی، ۱۳۹۲: ۶۷۹). میتوان گفت سبک زندگی دربرگیرنده‌ی تمام موضوعات زیستی فرد و نشان‌دهنده‌ی نوع نگاه او به موضوعاتی همچون خانواده، ازدواج، مسکن، پوشش، الگوی مصرف، تغذیه، تفریحات، نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت، کسب و کار، رفتار حرفه‌ی در محل کار، دانشگاه و مدرسه و... است (موسایی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۱). بتعبیر بوردیو، سبک زندگی فعالیتهای نظاممندی است که از ذوق و سلیقه‌ی فرد ناشی میشود و بیشتر جنبه‌ی عمیق و خارجی دارد و در عین حال، بصورت نمادین، به فرد هویت میدهد و افراد گوناگون را از یکدیگر متمایز میکند (الف و سالمی، ۱۳۹۱: ۴۸).

همانطور که بیان شد، از جمله عواملی که سبب تأثیرگذاری بسیار بر سبک زندگی شده، شبکه‌های اجتماعی هستند. در ادامه به آسیب‌شناسی این تأثیرگذاری خواهیم پرداخت.

شبکه‌های اجتماعی و مجازی و آسیب‌شناسی آنها

در دنیای امروز زندگی انسان با شبکه‌های اجتماعی پیوند خورده است؛ شبکه‌های ارتباطاتی درهم تنیده و بهم



پیوسته تمامی حوزه‌ها، معانی و مفاهیم و بطورکلی همه چیز را تحت تأثیر قرارداده و در حال دگرگون ساختن اساس فعالیت ارتباط انسان است. ارتباطات شبکه بمثابة «شبکه‌های اجتماعی» ارتباطات انسانی است. رسانه‌های اجتماعی، مفاهیم کلانی هستند که بواسطهٔ پیدایش شبکه‌های جدید ارتباطی همچون اینترنت و تلفن همراه، پدید آمده‌اند. فضای مجازی عامل اثرگذاری است که در فرهنگ‌پذیری، انتقال ارزشها، تعاملات انسانی، تسلط بر فضای خانواده‌ها و ایجاد جذبه‌های زودبازده، قدرت اقتناع‌گری بالایی دارد و فکر و ذهن و زندگی ساکنان عالم را متوجه خود نموده و در صورت عدم هوشیاری و نظارت عالمانه متصدیان کشور و بیتفاوتی خانواده‌ها، اساس تربیت دینی را ویران و کانون گرم و معنوی خانواده را زیر و رو خواهد کرد. شبکه‌های اجتماعی بعلت بی‌مکانی حاکم بر اینترنت، بر علائق افراد و گروه بنیان نهاده شده‌اند. درواقع شبکه‌های اجتماعی بر پایهٔ مشارکت همگانی بنا شده‌اند. وبسایت‌های شبکه اجتماعی با فراهم کردن انگیزه و هدف برای فعالیت در رسانه‌یی که پیش از این جذابیت کمی داشته، بطور فزاینده‌یی افراد را بسمت دنیای آنلاین میکشند. در این ارتباط جدید، رفتار مخاطب در برابر رسانه نیز دچار دگرگونی شده و از مخاطب منفعل به مخاطب فعال تبدیل میشود. در نسل جدید رسانه‌ها، برنامه‌ها دارای خاصیت گزینش از طرف مخاطب است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴).

نقش تربیتی فضای پرتلاطم مجازی و فناوری اینترنتی بر معنویت، بحدی مهم و اثرگذار است که تبیین آن مستلزم تحقیق و پژوهش‌های کاربردی و تخصصی است و از عهدهٔ هر فرد عادی خارج است. تلقی انسان از مؤلفه‌های کارکردی فضای مجازی در حیات و آموزه‌های تربیتی متفاوت و ویژگی‌های فکری، اقتصادی و تکنولوژی آن از مشخصه‌های عصر ما فراتر است، بطوریکه روح و جان و نگاه آدمها را حیران کرده و چالش شدید تربیتی بوجود آورده است. خرافی کردن دین، استبدادی نشان دادن مکتب اسلام، واپسگرا شمردن اعتقادات اسلامی و مخالفت با توسعه و توازن و نشاط، تنوع‌طلبی و... مهمترین راهبردهای کاربران و طراحان شبکه‌های اجتماعی هستند.

نسل نوپای امروز در بُعد مهار بیرونی و درون فکری

گرفتار شده و فضای سخت، سنگین و کاذب بیرون فرد، یعنی جامعه، متأثر از تبلیغات و سمپاشی‌های رسانه‌های مجازی است. بطورکلی، اصطلاح فضای مجازی مفهومی جدید است که با شیوهٔ زندگی و تفکر دوران معاصر مبتنی بر تکنولوژی نوین اطلاعاتی، ارتباط نزدیک دارد. برای بیان این مفهوم گاهی از واژهٔ سایبر استفاده میشود و در کل، منظور، فضای کاری و زندگی مبتنی بر رایانه و اینترنت است که با فضای واقعی و ارتباطات فیزیکی متفاوت بوده و خود سازندهٔ یک فضای جغرافیای جدید اما مجازی است. فضای مجازی، جهان ذهنی اطلاعات و شبکه‌های الکترونیکی است که با اینترنت قابل دسترس است و اغلب با حوزهٔ ناشناخته مقایسه میشود که مرزهای نامحدودی دارد (صادقی و عامری، ۱۳۹۵: ۶۵-۵۱) و با پیشرفت تکنولوژی در عرصهٔ شبکه‌های اجتماعی شاهد ایجاد معضلاتی در جوامع بشری هستیم.

در فلسفهٔ تکنولوژی در مورد رابطهٔ انسان و مصنوعات چهار دیدگاه اولیه وجود دارد: اراده‌باوری، جبرباوری، ابزارگرایی و ذاتگرایی. دو دیدگاه نخست بر سر اینکه ساخته شدن تکنولوژیها تماماً در دست انسان است یا یک منطق درونی دارد که توسط آن متحول میشود، با هم اختلاف دارند. دو دیدگاه دوم در مورد ماهیت تکنولوژی موضع‌هایی متقابل دارند. ابزارگرایی معتقد است تکنولوژی فقط یک ابزار خنثی است و تأثیر فرهنگی (اجتماعی، اخلاقی، شخصیتی) بر کاربر ندارد. اما ذاتگرایی، تکنولوژی را ابزاری خنثی نمیداند بلکه برای آن قدرت تغییردهندگی قائل است. معمولاً کسانی که اراده‌باورند ابزارگرا هم هستند و کسانی که جبرباورند، ذاتگرایند (شریف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

آسیب‌شناسی در لغت بمعنای: (۱) زخم، کوب، ضرب؛ (۲) عیب و نقص یا شکستگی که بسبب ضربت و زخم پیدا شود، صدمه؛ (۳) تعب، رنج، مشقت؛ (۴) آفت، بلا، نکبت، مصیبت، گزند، آزار؛ (۵) زیان و ضرر؛ (۶) لگد؛ (۷) تماس، سایش، تلاقی؛ (۸) هرم، تیش؛ (۹) دمش، ورزش، نفخه آمده است. بر این اساس، آسیب‌شناسی تربیت دینی یعنی شناخت و بررسی ناهنجاریها، موانع و محدودیتهای موجود در زمینهٔ ایجاد باور و اعتقاد دینی در متریان و نیز عدم انطباق رفتار آنان با هنجارها و معیارهای دینی در کل جامعه، بویژه در نظام تعلیم و تربیت کشور (صالحی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۳: ۵۲).

آسیب‌شناسان از وضعیت فعلی استفاده از فضای مجازی ابراز نگرانی کرده‌اند و معتقدند تغییرات تکنولوژیکی، ارزشها و هنجارهای اجتماعی را تحت‌تأثیر خود قرار داده و بروز آسیبهای نوپدید در این زمینه میتواند زمینه‌ساز آسیبهای اجتماعی، فرهنگی و روانی باشد. بهمین دلیل برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کاهش آسیبهای فضای مجازی ضروری است. کاهش احساسات و عواطف، بروز دوستیها و عشقهای مجازی، سوءاستفاده از دختران و پسران، فرار از خانه، کلاهبرداری اینترنتی، ازدواجهای دروغین، سرقت اطلاعات، خیانت زوجین و از هم گسیختگی و فروپاشی خانواده‌ها از جمله مواردی است که ممکن است جوانان و خانواده را در صورت عدم مدیریت درست فضای مجازی، گرفتار کند (امانی کلاریجانی، ۱۳۹۶: ۹۲ و ۹۶).

اینترنت موجب کاهش ارتباط فرد با خانواده و افزایش احساس تنهایی و افسردگی میشود (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۱). عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با مؤلفه‌هایی مانند رابطه با جنس مخالف، شیوه گفتگو و برخورد اعضا در محیط بیرونی و سبک زندگی جوانان ارتباط دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). شکاف میان اعضای خانواده، انزوای طلبی و فردگرایی افراطی و بسیاری آسیبهای نوپدید از مخاطراتی هستند که در پی حضور افسار گسیخته کاربران در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی ظهور میکنند. محرومیت از ارتباط سالم و سازنده میان اعضای خانواده از چالشهایی است که بصورت بالقوه مستعد بروز نارساییهای بسیاری خواهد بود و بتبع آن، آسیب دیدن نظام خانواده در میان مدت و کوتاه‌مدت که عامل بسیاری از ناهنجاریها و چالشهای اجتماعی بشمار می‌رود را بدنبال دارد (امانی کلاریجانی، ۱۳۹۶: ۹۲ و ۹۶).

امروزه با دیجیتالی شدن جامعه و گسترش بی‌رویه فناوریهای نوین و رسانه‌های نوظهور، نهاد خانواده نیز در حال تحول و پوست‌اندازی است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث تغییر روابط خانوادگی میشود. این تغییر در بین مجردها، غیرشاغلان و کمتر تحصیلکرده‌ها بیشتر از متأهلین، شاغلان و تحصیلکرده‌ها بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داده است که هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی میان کاربران بیشتر شود روابط عاطفی بین اعضای خانواده کمتر میشود (خجیر، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۱۱). اما ویژگیهای تکنولوژی کدامند که توانسته تا این میزان جوامع بشری و سبک زندگی آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد؟

ویژگیهای تکنولوژی

ابتدا باید نگاهی به مدرنیته داشته باشیم چرا که تکنولوژی غرب زائیده تفکرات و مبانی فکری مدرنیته است. مدرنیته در معنای لغوی امروزی، طرفدار تازه بودن و به نو و تازگی تمایل داشتن است. واژه مدرن از ریشه لاتین Modernus گرفته شده که خود از قید Modo مشتق شده است و Modo در زبان لاتین بمعنای این اواخر، بتازگی و گذشته‌یی بسیار نزدیک بکار میرفت (میراحمدی و خالدی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۳). مدرنیته فرایند تحول فکری، فلسفی، علمی، صنعتی، سیاسی و اجتماعی است که بعد از رنسانس در غرب رخ داد. در واقع، مدرنیته پروسه و فرایندی فکری است که در غرب ظهور کرد.

از مهمترین مؤلفه‌های مدرنیته میتوان به موارد زیر اشاره کرد: عقلگرایی، تجربه‌گرایی، اومانیزم، فردگرایی، مادیکرایی، آزادی و لیبرالیزم، سکولاریزم، دموکراسی و رفرمیزم مذهبی. البته این فهرست استقرائی و باز است، نه قیاسی و بسته، بهمین دلیل میتوان تقسیمات محدودتر یا وسیعتری را لحاظ کرد (بزدانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۵). از جمله: التفات عظیم به علم تجربی، اندیشه پیشرفت، صنعت، پدید آمدن سطح زندگی بالا و بیسابقه، طرفداری از سرمایه‌داری، دین‌زدایی از صحنه زندگی (سکولاریسم)، انسانگرایی (اومانیزم)، فردگرایی، برابری طلبی، مادیکرایی، عقلگرایی (راسیونالیسم)، نفی عقل شهودی و طرفداری از عقل ابزاری (میرباباپور و ساجدی، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۸).

بیان فلسفه وجودی هر پدیده، از ضرورترین مباحث و نخستین گام تحقیق در بررسی آن پدیده است. در مقطعی از تاریخ، فرهنگ و تمدن غرب در مقابل علم و سپس علم در مقابل دین قرار گرفت و شاید این تقابل ریشه در بنیانهای فکری آنها داشت (تقیان ورزنه، ۱۳۸۷: ۹۷). در نگاه جدید مدرن، دنیا نه بمثابه خلقت الهی، بلکه صرفاً بعنوان آنچه قابل مشاهده است، تحت عنوان طبیعت، موردنظر قرار میگیرد. در این فضا جهان امری خودبسندة فرض میشود که نیازی به امور ماورایی و دنیایی والا تر ندارد. از همینرو، وجود هرگونه سلسله مراتب بین این دنیا و دنیایی دیگر مردود شمرده میشود (سهرابی فر و طالبی دارابی، ۱۳۹۵: ۲۶۲ و ۲۷۴).

مدرنیسم که از نظر عناصر، حیثیت مکتبی و اعتقادی



مدرنیته و جهانبینی فرهنگ و تمدن جدید غرب است، دارای مبادی و مبانی است که دقت در آنها چگونگی تأثیر مدرنیسم بر بروز مشکلات و آسیبهای اجتماعی را روشن میسازد. اگرچه این مبادی نیازمند بحثی مفصل است، بدلیل محدودیت این نوشتار، فقط به عناصری که در ایجاد آسیبهای اجتماعی دخالت بیشتری دارد، پرداخته میشود.

۱. انسان محوری (اومانیسیم)

در انسان محوری، این انسان اندیشمند است که ملاک و محور همه چیز قرار میگیرد. به سخن دیگر، بعد از این، نفس عنان گسیخته انسان بر جای خدا مینشیند؛ این انسان است که تعیین میکند کدام کار اخلاقی و کدام کار غیراخلاقی است؛ این انسان خودبنیاد است که قوانین حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی خود را وضع میکند. در این نگاه، تمام هستی در خدمت انسان است و او هرطور که بخواهد میتواند در موجودات آن دخل و تصرف کند. خط قرمز او در بهره‌کشی از تمام هستی آنجایی است که حیات خود این انسان به خطر بیفتد وگرنه هیچ چیزی غیر از منیت او شایسته توجه نیست. همین انسان خودبنیاد است که به فکر لذت و کامجویی از طریق غارت و بهره‌کشی از طبیعت میباشد و تمام عمر خود را صرف ساخت ابزار و تکنولوژی میکند تا او را به این هدف شوم برساند. اومانیسیم و فرزندان آن، «لیبرالیسم» و «دموکراسی»، میان نیازهای انسان تفاوتی قائل نمیشوند و از آنجایی که آنها برای انسان «حقیقتی غایی» نمیشناسند، معتقدند همه نیازهای بشر باید بطور یکسان برآورده شوند، حال آنکه در این صورت، شدت نیازهای حیوانی، عشق به کمال را که منشأ نیازهای فطری است، محجوب خواهد کرد و راه انسان بسوی سعادت مسدود خواهد شد (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۷). این مذهب به بشری کردن امور سخت پایبند است، بگونه‌یی که احکام انسانی را بجای احکام الهی قرار میدهد و با نفی عبودیت و انکار غیب، به تشکیل اجتماعی می‌اندیشد که خدای آن، انسان باشد (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۲: ۲۰). در اندیشه اومانیسیم یا انسان‌سالاری، به کرامت یا اصالت انسان اشاره نشده، بلکه اصالت از آن انسان دنیوی و این جهانی است. بگفته استاد مطهری، اصالت انسان یا اومانیسیم یعنی اینکه

انسانیت انسان بهیچ وجه اصالت ندارد، تنها حیوانیتش اصالت دارد و بس؛ انسان در برابر حیوانیت خود از اصالتی بنام انسانیت، برخوردار نیست. این، ویژگی انسان‌شناسی مدرن است (جوکار، ۱۳۹۲: ۴۵ و ۴۲). انسان محوری جایگزین خدامحوری در ایجاد و استفاده از تکنولوژی شده است.

۲. مادیرایی

مادیرایی از ویژگیهای جهان‌نگری مدرن است. انسان مدرن از لحاظ وجودشناختی، به عوالمی غیر از عالم ماده و مادیات باور ندارد. این موضع وجودشناختی نتیجه گریزناپذیر ویژگی معرفت‌شناختی انسان مدرن است، چون اگر بنا بر این باشد که فقط از راه مشاهده، آزمایش و تجربه حسی ظاهری بتوان به معرفت حقیقی دست یافت و عقل نیز کاری جز سر و سامان دادن به مواد خامی که از آن راه بدست آمده است نداشته باشد، طبعاً بتدریج آنچه قابل مشاهده، آزمایش و تجربه است با واقعیت و موجود، یکسان و معادل گرفته میشود و لازمه این معادله هم چیزی نیست جز این عقیده که آنچه قابل مشاهده، آزمایش و تجربه نیست، موجود نیست (میرباباپور و ساجدی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۹). البته مراد از مادی (در مادیرایی)، معنای دقیق فلسفی آن نیست، بلکه بمعنای تغافل از ساعتهای متعدد وجودی انسان است که مورد تأکید انسان سنتی بود. در متون جدید چیزی بنام نفس و روح دیده نمیشود در حالیکه در نوشتارهای دینی آنچه تمام طبع ما مربوط به آن است نفس و بالاتر از آن، روح شمرده شده است. جهان‌نگری مدرن در زمینه نیازها و خواستههای آدمی، نیازهای روحانی را به نیازهای روان‌شناختی تقلیل و تحویل میکند. نیازهایی که مربوط به نفسند، به نیازهایی که مربوط به احساسات و عواطف هستند تحویل شده‌اند که از این ویژگی با تعبیر مادیت یاد میشود. بنابراین مراد از مادیات، مادیت انسان‌شناختی است نه مادیت جهان‌شناختی. در واقع، مدرنیسم در مورد ساحت‌های وجود آدمی، نگرش مادی دارد. گرایش بسیار به برآوردن لذتهای دنیوی، انسان را در جنبه‌های مادی متمرکز میسازد و از شناخت جنبه‌های دیگر وجودیش باز میدارد؛ بدین ترتیب شناختی ناقص و دروغین از انسان بدست میدهد

(پورشافی و آرین، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵). متأسفانه نگاه مادیگرا در ایجاد و استفاده از تکنولوژی نمود یافته است.

۳. سکولاریسم

یکی از پدیده‌هایی که در دوران مدرن شاهد آن هستیم، استقلال معنویت از دین است، بنحوی که امروزه برای معنوی بودن نیازی به دیندار بودن فرد نیست. یکی از دیدگاه‌هایی که در سالهای اخیر رشدی چشمگیر داشته دیدگاهی است که بنحو اختصار آن را SBNR مینامند. بر اساس این نگرش، افراد خود را انسانهایی معنوی لحاظ میکنند بدون آنکه دیندار باشند. این معنویت از منابع مختلفی تغذیه میکند که یکی از آنها میتواند ادیان سنتی باشد. با این حال، هیچگونه التزام و تعهدی نسبت به دین در آنها وجود ندارد؛ از همینرو هرچند در برخی موارد از آموزه‌های دینی استفاده میکنند ولی در عمل، مستقل از دین سنتی و نهاد دین حرکت میکنند. این نظریه را میتوان تحت تأثیر عقلگرایی دوران روشنگری، رجوع به درون، تحت تأثیر جریان رمانتیسم و ایده اصالت دانست که موجب شده معنویت جدید در قالبی مستقل از دین بروز یابد (سهرابی فر و طالبی دارابی، ۱۳۹۵: ۲۶۲ و ۲۷۴). سکولاریسم که از دیگر مبانی مدرنیته است، بمعنای نگاه دنیوی و این جهانی به هستی است و دو بعد عملی و نظری دارد؛ بُعد عملی آن، میل و گرایش به این جهان و وابستگی به زندگی دنیوی است. بُعد نظری آن نیز برخاسته از تفسیر دنیوی و این جهانی هستی است که شامل دو مورد است: انکار صریح ماورای طبیعت و به انزوا بردن دیانت و معنویت و محدود نمودن آنها به حوزه زندگی خصوصی و خارج کردن آنها از قلمرو معرفت علمی. عقل مدرن، سکولار است و دین، معیارها، موازین معنوی و استانداردهای متعالی روحانی را از زندگی بشر خارج میکند و میخواهد آدمیان بدون هدایت ساحت قدس و با تکیه بر عقل خودبنیاد، زندگی فردی و جمعی را اداره نمایند (جوکار، ۱۳۹۲: ۴۲ و ۴۵). بنابراین پر واضح است که مبانی مدرنیته، بویژه سکولاریسم، در تضاد با تربیت و سبک زندگی دینی است و بهمین دلیل میخواهد در این زمینه از بعد تکنولوژی، در تمام جوامع بویژه جوامع اسلامی، جولان دهد. اما مگر دین اسلام با تکنولوژی و پیشرفت ارتباطات مخالف است؟

نقد تکنولوژی مدرنیته با تکیه بر آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام

علم، تکنولوژی و صنعت در اسلام ممدوح است و نقد تکنولوژی دوران مدرن، از حیث اصول و زیربنای آن است. در آموزه‌های روایی شیعه صنعت و فناوری نقشی ارزنده در قوام جامعه دارد. امام صادق (ع) در حدیثی میفرماید: «تمامی صنایع و حرفی که بندگان می‌آموزند یا به دیگران آموزش میدهند - از قبیل: نویسندگی، حساب، تجارت و زرگری، زین‌سازی و بنایی، بافندگی و... - آموزش و عمل به آن حلال و مباح ولی مصرف آن در جهت فساد و به زیان دیگران، حرام و نامشروع است. از بیانات حضرت استفاده میشود که مصنوعات ماهیت مفعولی دارند؛ بعبارتی «بکار گرفته میشوند». فناوری برغم قدرت بخشی به انسان، بشدت او را محدود میکند تا از طریق مصنوعاتی که خود ابداع نموده عمل کند. حضرت در پایان، صنایع را از لحاظ اخلاقی خنثی نمیدانند. صنایع نهایتاً به فساد یا صلاح منجر میشود و این فساد در نوع و جهت بکارگیری است نه در ذات صنعت (تقوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

با توجه به مباحث ذکر شده درباره مدرنیته، میتوان یکی از علل ایجاد انحرافات پیرو استفاده از شبکه‌های اجتماعی را مبانی مدرنیته دانست چرا که در جهان بینی مدرنیته در دوره جدید و معاصر، صرف عبور از گذشته، تغییر نگرش به هستی و جهان و انسان بود. پس مدرنیته دارای گوهر فلسفی است. بنابراین حقیقت مدرنیته نگرشی فلسفی به هستی و انسان است که منشأ تحول در بینش، منش و کنش مدرن شده است. تفکر مدرن به انسان بعنوان خلیفه الهی نگاه نمیکند. میوه‌های مدرنیته، اعم از فلسفه و دانش و تکنولوژی، از این تفکر نشئت گرفته‌اند (خسروپور، ۱۳۸۶: ۱۲۷). هر فرهنگ و تمدنی هم که در مبانی معرفتی خود، عالم را یگانه نبیند و معتقد به کثرت مبادی قدرت باشد و اشیاء و خاصیت آنها را مستقل ببیند و نتواند همه این مظاهر متکثر را به یک حقیقت واحد متعالی مربوط کند، در «توهم» است. اگر ما تعارضی بین خدایان مدرنیسم و سخن قرآن و سنت را نمی‌بینیم، ما نیز دچار «توهم» شده‌ایم، زیرا دین ما را به وحدت مبادی عالم توجه میدهد و آن فرهنگ مدرنیته به کثرت و استقلال اشیاء معتقد است (طاهرزاده، ۱۳۸۶). مدرنیته با خود جهانی را ساخته که قداست زدایی در آن موج



میزند و به خیال خود جهان و آنچه را در آن است، بسمت پیشرفت میکشاند و انسانی را میسازد که در رقابت با خداوند میخواهد خودش، سکان کشتی هستی را بدست گیرد؛ در حالیکه به اعتقاد سنتگرایان چنین انسان شناخته شده‌یی قدم در وادی فَنای معنوی و ظلمت روحانی نهاده است (عطوفی کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

بنابراین هدف مدرنیته از ایجاد فضای مجازی، برخلاف سبک زندگی دینی و اسلامی است، چرا که آنان جهانیینی متفاوتی به زندگی دارند و میدانیم یکی از مهمترین مبادی هر اندیشه، جهان‌شناسی و تعاریفی است که از هستی ارائه میشود. بعبارت دیگر، جهانیینی دید کلی انسان نسبت به جهان هستی است و بر اساس آن به تعبیر و تفسیر جهان میپردازد؛ یک سلسله اعتقادات و بینشهای کلی هماهنگ درباره جهان و انسان. این همان حلقه مفقوده در تکنولوژی غرب است که در قالب شبکه‌های اجتماعی بروز و نمود یافته است.

با توجه به پیامدها و اختلالات تکنولوژی در مورد شبکه‌های اجتماعی که پیشتر بیان شد؛ بحث درباره سبک زندگی دینی بمنظور پیشگیری از آسیبهای شبکه‌های اجتماعی اهمیت و ضرورت می‌یابد.

سبک زندگی دینی و پیشگیری از آسیبهای شبکه‌های اجتماعی

چون ما معتقد به آیین و دستورات اسلام هستیم، برایمان سبک زندگی دینی بر دیگر سبک زندگیها ارجحیت دارد. فرد دیندار در مورد جهان، خدا، نبوت، روز حشر و نظیر اینها از طریق روشن‌بینی و تفکر و از سر فهم به اعتقادات خاصی رسیده نه اینکه به او تلقین شده باشد. منشأ اینگونه اعتقادات درون فرد است و میتواند زمینه‌ساز بروز عواطفی باشد که در ارتباط با خداوند است. تجارب دینی حاصل از اندیشه و اعتقادی عمیق میتواند معیاری متقن بر ارزشگذاری و انتخاب و التزام در فرد گردد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۸).

منظور از سبک زندگی اسلامی اینست که تمامی گرایشها، تمایلات، رفتار، باورها، ارزشها و مجموعه برداشتها، عاداتها، نگرشها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی و سیاسی فرد یا جامعه، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و

عمل به آنها پایه‌ریزی شود؛ بگونه‌یی که این سبک بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد. بر همین اساس ترویج سبک زندگی اسلامی که دغدغه رهبر معظم انقلاب و دلسوزان نظام است، بخشی از تمدن‌سازی نوین اسلامی است که گستره عظیم آن باید بار دیگر دنیا را درنوردد (جوکار، ۱۳۹۲: ۴۵ و ۴۲).

میدانیم که دین بعنوان برنامه‌یی جامع و فراگیر برای هدایت تمام ابعاد زندگی بشر فرستاده شده است. در قرآن کریم آمده است: «انّ الدّین عندالله الاسلام» (آل عمران/ ۱۹) و در آیه دیگر میفرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران/ ۸۵)؛ بنابراین بالاترین و کاملترین دین در هر عصری دین اسلام است. از سویی، وقتی به مکاتب دیگر نگاه میکنیم میبینیم که دارای نقص هستند، چون بر مبنای اصالت و اراده و خواسته دنیایی و نگاه محدود انسان تعریف شده‌اند. بهمین دلیل، چون انسان آفریده خداست، هموست که میتواند تمام کائنات را در راستای زندگی خود بکار گیرد. در این میان، با مبنا قرار دادن جهانیینی توحیدی میتوانیم جهانیینی علمی، از جمله تکنولوژی مانند شبکه‌های اجتماعی را در خدمت رسیدن انسان به کمال و قرب الی الله «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶) بکار بگیریم.

برخی از روشنفکران معاصر معتقدند دین را در معنای اخص آن میتوان دوگونه تعریف نمود: یکی از راه مطالعه برون‌دینی بعنوان پدیده‌یی در تاریخ بشر و دیگری از راه مطالعه درون‌دینی با رجوع به متون دینی. طبق این دیدگاه، دین دارای سه سطح و سه لایه است. سطح اول که بارزترین سطح است، عبارتست از سطح اعمال و شعائر، مانند اعمال ظاهری که در اسلام انجام میدهیم. سطح دوم دین، سطح شناخت، عقاید و باورهاست؛ مانند خدانشناسی، معادشناسی، نبی‌شناسی و... اما دین سطحی درونیت و عمیقتر هم دارد که تجربه‌های دینی است. این تجربه‌های دینی ناشی از حضور انسان در برابر الوهیت و حقیقت قدسی است. سطح دوم دین، یعنی شناخت و باورها، در واقع تفسیر این تجربه‌هاست و ظهور عملی این باورها هم اعمال و شعائری است که انسان متدین انجام میدهد (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). بعبارتی، باور عمیق به خدا

سبب جهت دادن به اعمال زندگی انسانها میشود.

سبک زندگی نشئت گرفته از باورهای الهی بعنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و مقابله با معضلات حاصل از شبکه‌های اجتماعی، میتواند نقش خاصی در جوامع ایفا کند. اگر جهانبینی توحیدی عمیق در جامعه‌ی حاکم شود که باور به خدا و حضور و مشاهده خداوندی و روز رستاخیز در آن وجود داشته باشد، پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از رذائل روحی، کنترل هوی و هوسها و ایجاد آرامش و اطمینان، از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به این امور بوجود می‌آید. حال اگر آدمی این میل فطری را نادیده بگیرد و از یاد خدا غافل شود، دچار تعارض و عدم تعادل در درون میشود و این مسئله زمینه را برای ارتکاب جرم و گناه در وجود آدمی و دوری او از خدا فراهم میکند؛ همچنانکه خدای متعال در قرآن میفرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا: هر کس از یاد من روی گرداند، همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود» (طه/ ۱۲۴).

از اینرو انسان موحد بدلیل اعتقاد به مبانی دینی، خود ناظر بر اعمال خویش شده و تلاش میکند از طریق التزام به مبانی سبک زندگی دینی، همچون خداباوری، در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد. نقش جهانبینی توحیدی در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی منتج از ماهیت تکنولوژی و تغییر سبک زندگی، چشمگیر است. توحید و یکتاپرستی تنها امری درونی نیست، بلکه اعتقاد به حاکمیت خدا دارای آثار عملی در حیات مادی، معنوی و زندگی اجتماعی است و هرگونه فعالیت را تحت‌الشعاع قرار میدهد. بهمین دلیل، پیروی از دین مبین اسلام یعنی پذیرفتن حاکمیت خداوند بر جهان و انسان بگونه‌ی که همه عالم محضر حق تعالی دانسته شود و اعتقاد به روز حساب و معاد، نقش بسیار زیادی در بازدارندگی فرد از ارتکاب گناه (بواسطه استفاده ناصحیح از شبکه‌های اجتماعی در کنار ویژگیهای خود تکنولوژی که مزید بر علت میباشد) دارد. جهانبینی توحیدی عاملی است که انسان را در همه شرایط، از انحراف و گناه باز میدارد. نقش بازدارندگی این عامل نسبی است و نزد همه افراد یکسان نیست، بلکه به میزان پابندی آنها به مبانی جهانبینی الهی بستگی دارد. بنابراین، هر چه درجه ایمان و اعتقاد به خداوند در جامعه بیشتر باشد، احتمال ارتکاب به

جرایم و معصیت ناشی از استفاده ناصحیح از شبکه‌های اجتماعی، پیامدها و معضلات کمتری خواهد داشت (جزینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۰).

همانطور که میدانیم روح سبک زندگی دینی را معنویت تشکیل میدهد. در سبکهای زندگی غیردینی، هرچند ممکن است معنویت به صورتهای دیگری متجلی شود، اما در سبک زندگی دینی، معنویت منشأ الهی دارد (شریفی و شفایی، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۴۰).

خداوند درباره ویژگی رفتاری پیامبر (ص) در قرآن کریم میفرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ هر آینه برای شما در رسول الله سرمشق نیک برای کسانی است که امید به خداوند و روز آخرت دارند و خداوند را بسیار یاد میکنند» (احزاب/ ۲۱). این برای ما درس زندگی است که باید به معصومین علیهم السلام اقتدا کرده و از این طریق خود را در برابر آسیبهای شبکه‌های اجتماعی مصون نگاه داریم. در بیانات مقام معظم رهبری نیز مشاهده میکنیم که بر سبک زندگی تأکیدات فراوانی داشته‌اند.

سبک زندگی، یعنی رفتار اجتماعی و شیوه زیستن که آشنایی با آن از دو جهت معنوی (برای رسیدن به هدف اصلی انسان، یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی)، برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر اینکه شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین است و ایمان لنگرگاه اصلی انتخاب سبک زندگی خواهد شد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

خداوند در قرآن کریم میفرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ ایمان به خدا و روز قیامت می‌آورند و امر به نیکویی و نهی از بدکاری میکنند» (آل عمران/ ۱۱۴). این آیه نشان از اهمیت پابندی و التزام به توحید و معادباوری در داشتن سبک زندگی دینی دارد که نتیجه آن میشود: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مشرق و مغرب هر دو ملک خداست، پس به هر طرف روی کنید بسوی خدا روی آورده‌اید، که خدا (به همه جا) محیط و (به هر چیز) داناست» (بقره/ ۱۱۵).

انسان در پی خداشناسی عمیق دائماً مراقب اعمال خود خواهد بود و به پیشگیری از سوق یافتن به آسیبهای



شبکه‌های اجتماعی اهتمام میورزد. بهمین دلیل دین‌باوری و سبک زندگی دینی مانع از کژراهه رفتن تکنولوژیها و افراد مصرف‌کننده از آن ابزارها میشود. معضلاتی که امروزه بواسطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی رخ داده، در صورت التزام و اعتقاد به سبک زندگی دینی، کمرنگ میشود چرا که خدا باوری سبب تصحیح بینش و رفتار انسانها میشود و به زندگی جهت الهی میدهد. بهمین دلیل میتوان گفت، یکی از مهمترین مبادی هر اندیشه، جهان‌شناسی و تعاریفی است که از هستی ارائه میشود. اهمیت این موضوع بقدری است که تقسیم‌بندی مکاتب فکری و جبهه‌گیری فلاسفه در طول تاریخ بر همین اساس انجام شده و «مادی بودن یا نبودن» مسئله مهم و مبدأ حرکت اندیشه‌هاست.

استاد مطهری با تأکید بر اینکه جهان‌بینی علاوه بر زیرسازی فکری و فلسفی، دیدگاه انسان به هستی و زندگی و ارزش آن را مشخص میکند، قدرت اجرایی مکاتب را نیز وابسته به همین پایه مهم دانسته و لازم میداند که جهان اسلامی و دیدگاهی ویژه که به حیات و انسان دارد، بدرستی شناخته شود (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۳) چرا که جهان‌بینی یک سلسله اعتقادات و بینشهای کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و بطورکلی درباره هستی میباشد و عناصر آن عبارتست از: توجیه جهان هستی، توجیه انسان و رابطه انسان با هستی. بر همین اساس در برنامه ملی درسی و الگوی هدفگذاری در باب ساحت‌های تربیت، عرصه‌هایی چون رابطه تربی با خویشتن، با خدا، سایر انسانها و رابطه با طبیعت را مورد تأکید قرار میدهد (برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱). بنابراین هر انسانی جایگاه خود در نظام خلقت را بشناسد و بینش صحیح اسلامی داشته باشد، بنحو احسن میتواند از تکنولوژی در مسیر قرب الی الله استفاده نماید و دیگر شاهد معضلات کنونی در سطح کشور و جهان نباشیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه دنیا با سرعت بسیار زیاد در حال تحول است و این تحول، در حوزه شبکه‌های اجتماعی بیشتر مشاهده میشود. تغییراتی که در نتیجه این تحول اتفاق افتاده،

بسیار همه‌گیر بوده است. در کنار مزایای فضای مجازی، خطرهای ویرانگر و جبران‌ناپذیری در این فضاها و شبکه‌ها، خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان را تهدید میکند و بدنبال آنست که جامعه را از سبک زندگی دینی و الگوگیری از زندگی ائمه اطهار(ع) جدا سازد و بسوی زندگی و فرهنگ غربی هدایت کند. از اصلیتین علل تغییر سبک زندگی شکستن مرز باورها و ارزشها، استفاده بدون پشتوانه و بینش دینی از شبکه‌های اجتماعی است. بهمین دلیل هر نو شدنی را نمیتوان مدرن نامید. بیشک در هر مقطعی پدیده‌ها و کنشهای نویی تحقق می‌یابد. این نو شدن، نگرش نو به هستی و انسان است و تا این نگرش معلوم نگردد، شناخت دقیقی نسبت به تکنولوژی مدرن، شبکه‌های اجتماعی مدرن، فرهنگ مدرن و... حاصل نمیگردد. ما مسلمانان، مبانی مدرنیته را که درصدد به حاشیه راندن جهان‌بینی توحیدی است، نمیپذیریم اما میتوانیم آگاهانه از برخی دستاوردهای مدرنیته، بدون اعتقاد به مبانی آن بهره‌مند شویم چرا که بهره‌گیری از آنها اجتناب‌ناپذیر است. البته باید توجه داشت که مدرنیته تمامیت‌خواه است و نمیخواهد انسانها، تنها از برخی دستاوردهایش بهره ببرند، چرا که مبانی تکنولوژیهای غربی خواستار القاء و تحمیل هدفمند تمامیت مبانی فکری خود به دیگر ملتها هستند و در تلاشند جهانی‌سازی کرده و بینش، منش و کنش مدرن را در تمام جهان بگسترانند. در چنین فضایی، پرداختن عالمانه به موضوع مدرنیته بنحوی که بتوان مزایا و معایب آن را بطور جامع بتصور کشید و به جامعه شناساند، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین لازم است با استفاده از تربیت دینی در ایجاد سبک زندگی دینی تلاش نمود و به تبیین هرچه بیشتر چارچوبهای اسلامی - مانند جهان‌بینی توحیدی و اعتقاد به سرای آخرت - پرداخت.

منابع

قرآن کریم.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای؛ تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۷/۲۴.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱) پرتال وزارت آموزش و پرورش.

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه - با تغییرات؛ تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۶/۷.

احمدی، حبیب؛ منصوری، فردین؛ شاه‌چراغ، سیدعلی (۱۳۹۵) «بررسی ابعاد آسیب‌زای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان جوانان شهر کرمانشاه»، دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲.

احمدی، محمدسعید (۱۳۹۴) «رابطه باورهای دینی و سبک زندگی با کیفیت زندگی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر زنجان»، زن و مطالعات خانواده، سال ۸، شماره ۳.

امانی کلاریجانی، ام‌الله (۱۳۹۶) «فضای مجازی و واکاوی سیاست‌های پیشگیرانه در کنترل آسیب‌های اجتماعی نوپدید»، رهیافت پیشگیری، پیش‌شماره ۱.

پورشافعی، هادی؛ آری، ناهید (۱۳۸۸) «پست مدرنیسم و دلالت‌های آن در تربیت دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۱، شماره ۲.

پورطهماسبی، سیاوش؛ پورطهماسبی، سعید (۱۳۹۱) «رویکرد اسلامی در بهره‌گیری از رسانه‌های پست‌مدرن در تربیت دینی»، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، سال ۱، پیش‌شماره ۲.

تقوی، علی؛ قاسم‌نژاد، زهرا؛ انصاری‌پور، جمیله (۱۳۹۴) «نقد تولید علم و تکنولوژی مدرن و پسامدرن با نگاهی به آموزه‌های مکتب اهل بیت(ع)»، همایش اهل البیت علیهم السلام و تولید علم، دانشگاه شیراز.

تقیان ورزنده، رضا (۱۳۸۷) «چالش آیات تکوین و آیات تشریح در عصر مدرنیته از دیدگاه شهید مطهری»، پیک نور، سال ۶، شماره ۴.

جزینی، علیرضا؛ عباسی کسانی، علی؛ پناهی، محسن (۱۳۹۸) «تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر نقش نماز)»، فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۲، شماره ۱.

جوکار، محبوبه (۱۳۹۲) «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال ۲، شماره ۲.

حسین‌زاده، امیدعلی؛ مشرفی، هاشم (۱۳۸۹) «تحلیل عاملی

عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر)»، زن و مطالعات خانواده، شماره ۷.

خجیر، یوسف (۱۳۹۶) «آسیب‌شناسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای تلفن همراه در خانواده ایرانی (با تأکید بر نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید)»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۲۰، شماره ۷.

خسروپور، عبدالحسین (۱۳۸۶) «اسلام و مدرنیته»، فصلنامه کلام اسلامی، سال ۲۲، شماره ۸.

زندوانیان، احمد؛ حیدری، مریم؛ باقری، ریحانه؛ عطارزاده، فاطمه (۱۳۹۲) «آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر»، مطالعات فرهنگ، سال ۱۴، شماره ۲۳.

سلحشوری، احمد؛ خنکدار طالسی، معصومه (۱۳۹۲) «چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی»، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۴.

سهرابی‌فر، وحید؛ طالبی دارابی، باقر (۱۳۹۵) «پیامدهای مدرنیته برای معنویت‌گرایی: بررسی انتقادی دیدگاه چارلز تیلور»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۳، شماره ۱.

شرفی، محمود؛ شرفی، زینت (۱۳۹۲) «تحلیل و مقایسه نیازهای تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۴، شماره ۴.

شریف‌زاده، حکیمه‌السادات؛ تسلیمیان، ناصر؛ جوادی بورا، محمدعلی (۱۳۹۵) «جایگاه زیبایی‌شناسی در تعالی دینی»، دوفصلنامه فلسفه تربیت، سال ۱، شماره ۱.

شریف‌زاده، رحمان (۱۳۹۵) «تکولوژی، عاملیت و تصمیم»، راهبرد فرهنگ، شماره ۳۴.

شریفی، صالحه؛ شفایی، امان‌الله (۱۳۹۷) «نقش آستان مقدس احمدبن موسی الکاظم شاه چراغ (ع) در ارتقای سبک زندگی دینی مردم»، رهیافت فرهنگ دینی، سال ۱، شماره ۱.

شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۷۲) «تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، تهران: کیهان».

صادقی، علی؛ عامری، زینب (۱۳۹۵) «شبکه‌های اجتماعی



مجازی و آسیب‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی: امنیت عمومی»، سال ۲، شماره ۵.

صالحی‌زاده، محمداسماعیل؛ محمدی، روح‌الله (۱۳۹۳) «آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان در مسائل عبادی از دیدگاه آیات و روایات»، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، سال ۱، شماره ۱.

طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۶) فرهنگ مدرنیته و توهم، اصفهان: گروه فرهنگی المیزان.

عطوفی کاشانی، طاهره (۱۳۸۹) «سنت‌گرایان»، فرهنگ پژوهش، سال ۲، شماره ۶.

الفت، سعیده؛ سالمی، آزاد (۱۳۹۱) «مفهوم سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، شماره ۱.

قربان‌نیا میرک محله، نرجس؛ خزایی، کامیان (۱۳۹۲) «واکاوی تأثیرات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در هویت و سبک زندگی جوانان»، کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۴.

محمودی، سیروس (۱۳۹۷) «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف

اسلامی و مشاوران مدارس»، رهیافت فرهنگ دینی، سال ۱، شماره ۳.

معمار، ثریا؛ عدلی‌پور، صمد؛ خاکسار، فائزه (۱۳۹۱) «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال ۱، شماره ۴.

موسایی‌پور، محبوبه (۱۳۹۵) «مبانی اخلاقی رفتار همسران مسلمان از منظر قرآن (با نگاهی به مباحث روان‌شناسی مرتبط)»، فصلنامه اخلاق، سال ۶، شماره ۲۲.

میراحمدی، منصور؛ خالدی‌پور، یزدان (۱۳۹۲) «نسبت سنت و تجدد در اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری»، علوم سیاسی، سال ۱۶، شماره ۶۴.

میرباباپور، سیدمصطفی؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۳) «دین و مدرنیته؛ بررسی رویکرد فروکاهشی به دین در نسبت با مدرنیته»، معرفت کلامی، سال ۴، شماره ۱.

نظری توکلی، سعید (۱۳۹۱) «تأملی بر جایگاه وراثت در آموزه‌های دینی و تأثیر آن بر تربیت‌پذیری انسان»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۲، شماره ۶.

یزدانی، عباس (۱۳۸۹) «رابطه بین دین و مدرنیته، تعارض یا سازگاری؟»، الهیات تطبیقی، سال ۱، شماره ۳.